



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان درباره أدله کسانی بود که قائلند در زمان غیبت امام عصر علیه السلام قیام واجب نیست بلکه مذموم است و گفتیم که متمسک اینها چند روایت در باب سیزده از ابواب جهاد العدو می باشد، خبر اول و دوم از این باب سیزده را خواندیم اما خبر سوم این است که: «وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَدِيرِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَدِيرُ أَلْزِمِ بَيْتَكَ، وَكُنْ حَلْسًا مِنْ أَحْلَاسِهِ، وَاسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، فَإِذَا بَلَغَكَ أَنْ السَّفِيَانِي قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَلَوْ عَلَى رَجْلِكَ»^۱.

آن زمان زمانی بوده که بنی امیه رو به سقوط می رفتند و بنی عباس می خواستند روی کار بیایند و مردم به شدت از بنی امیه متنفر بودند و دلشان می خواسته که در قیام شرکت کنند البته نمی دانستند که این قیام منتهی به سلطنت بنی عباس خواهد شد بلکه فکر می کردند اگر بنی امیه سقوط کند حکومت به دست اهل بیت علیهم السلام خواهد افتاد از طرفی امام صادق علیه السلام نمی توانست حقیقت مطلب را به مردم بگوید لذا آنها را از قیام و حرکت نمی کرد و اما این مربوط به همان زمان خاص می باشد و عمومیت ندارد وقتی یک جریان در زمان خاص و برای خصوصیات معینی واقع شده نمی شود آن را عمومیت داد و به موارد دیگر سرایت داد بنابراین نمی توان به این روایت برای عدم

جواز قیام قبل از ظهور امام عصر علیه السلام استدلال کرد.

چند نکته در مورد سدید صیروفی که در سند خبر ذکر شده وجود دارد تا اینکه او را بهتر بشناسیم و روایت برای ما روشن شود:

اول اینکه سدید صیروفی از شیعیان بوده و توثیق نیز شده منتهی ظاهرا احساسی بوده و تعقل لازم را نداشته، دوم اینکه در اصول کافی نقل شده بعد از اینکه سدید صیروفی سر جایش نشست دید که بنی عباس کم کم دارند رشد می کنند و حکومت را قبضه می کنند لذا خیلی ناراحت شد و خدمت امام صادق علیه السلام رسید، خبر این است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ سَدِيرِ الصَّبْرِيِّ، قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ مَا يَسْعُكَ الْقُعُودُ، فَقَالَ: «وَلَمْ يَأْخُذْ بِسَدِيرٍ؟» قُلْتُ: لِكَثْرَةِ مَوَالِيكَ وَشِيعَتِكَ وَأَنْصَارِكَ؛ وَاللَّهِ لَوْ كَانَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَكَ مِنَ الشَّيْعَةِ وَالْأَنْصَارِ وَالْمَوَالِي، مَا طَمِعَ فِيهِ تَيْمٌ وَلَا عَدِيٌّ، فَقَالَ: «يَا سَدِيرُ، وَكَمْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا» قُلْتُ: مِائَةَ أَلْفٍ، قَالَ: «مِائَةَ أَلْفٍ؟!» قُلْتُ: نَعَمْ، وَمِائَتَيْ أَلْفٍ، قَالَ: «مِائَتَيْ أَلْفٍ؟!» قُلْتُ: نَعَمْ، وَنِصْفَ الدُّنْيَا.

قَالَ: فَسَكَتَ عَنِّي، ثُمَّ قَالَ: «يَخِيفُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَّبِعَ مَعَنَا إِلَى يَنْبَعٍ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، فَأَمَرَ بِحِمَارٍ وَبَعْلٍ أَنْ يُسْرَجَا، فَبَادَرْتُ، فَرَكِبْتُ الْحِمَارَ، فَقَالَ: «يَا سَدِيرُ، تَرَى أَنْ تُؤَثِّرَ بِالْحِمَارِ؟» قُلْتُ: الْبَعْلُ أَزِينُ وَأَنْبَلُ، قَالَ: «الْحِمَارُ أَزْفَقُ بِي» فَنَزَلْتُ،

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

فَرَكِبَ الْحِمَارَ ، وَرَكِبْتُ الْبَعْلَ ، فَمَضَيْنَا ، فَحَانَتْ
الصَّلَاةُ ، فَقَالَ : « يَا سَدِيرُ ، انزِلْ بِنَا نُصَلِّ » .
ثُمَّ قَالَ : « هَذِهِ أَرْضٌ سَبِيحَةٌ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا »
فَسِرْنَا حَتَّى صِرْنَا إِلَى أَرْضِ حَمْرَاءَ ، وَنَظَرَ إِلَى غُلَامٍ
يَرْعَى جِدَاءً ، فَقَالَ : « وَاللَّهِ يَا سَدِيرُ ، لَوْ كَانَ لِي
شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ ، مَا وَسِعَنِي الْقُعُودُ » وَنَزَلْنَا
وَصَلَيْنَا ، فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنَ الصَّلَاةِ ، عَطَفْتُ عَلَى
الْجِدَاءِ ، فَعَدَدْتُهَا ، فَإِذَا هِيَ سَبْعَةٌ عَشَرَ^۲ .

این حدیث نشان می دهد که شیعیان مخلص و مومن واقعی که بتوانند اهل بیت علیهم السلام را یاری کنند بسیار کم بوده اند و در زمان امام حسین علیه السلام نیز همینطور بوده بعد از دعوت کوفیان از حضرت و ارسال نامه های بسیار حضرت از فرزاد در مورد آنها سوال کرد و او به حضرت گفت: "قلوبهم معک و سیوفهم علیک" و همین شد که فقط ۷۲ نفر با زحمت خودشان را به حضرت رساندند و بعد جریان کربلاء پیش آمد و نظیر این جریان در مورد تمام اهل بیت علیهم السلام هر کدام به نحوی رخ داده است، یک وقتی امام رضوان الله علیه می فرمودند اینکه خداوند متعال فرموده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْبِ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳ مراد این نیست که امثال معاویه و یزید سرکار بیابند اما متاسفانه مردم کم کاری کردند که آنها مسلط شدند.

خوب و اما خبر دیگری در وسائل الشیعة داریم که در آن اینطور ذکر شده: ﴿وعن حمید بن زیاد، عن عبید الله بن أحمد الدهقان، عن علی بن الحسن الطاطری، عن محمد بن زیاد، عن أبان، عن صباح بن سیابة، عن المعلى بن خنیس قال: ذهب بکتاب عبد السلام بن

نعیم وسدیر وکتب غیر واحد إلى أبي عبد الله عليه السلام حين ظهر المسودة قبل أن يظهر ولد العباس بأنا قد قدرنا أن يؤل هذا الامر إليك، فما ترى؟ قال: فاضرب بالكتب الأرض، قال: أف أف ما أنا هؤلاء بامام، أما يعلمون انه إنما يقتل السفیانی^۴ .

مسودة ابومسلم و یارانش بودند که در خراسان بر علیه بنی امیه قیام کردند و در سقوط آنها نقش مهمی داشتند اما بنی عباس موج سواری کردند و از قیام آنها استفاده کردند و حکومت را قبضه کردند، البته ابومسلم نیز عاقبت با بنی عباس بیعت کرد و حکومت را به آنها داد لذا امام صادق علیه السلام که از عاقبت کار او مطلع بودند در خبر اینطور فرمودند، و اما باید توجه داشته باشیم که این خبر نیز فقط مخصوص همین قضیه خاص و با شرایط خاصی می باشد و نمی تواند عمومیت داشته باشد و مشمول تمام آزمنه شود. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۲ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵، کتاب الایمان والکفر، باب فی قلة عدد المؤمنین،

حدیث ۴، ط دارالحدیث.

^۳ سوره نساء، آیه ۵۹.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۸، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳،

حدیث ۸، ط الاسلامیة.